



Journal Researches of Quran and Hadith Sciences, Vol.19, No.2, Serial.54, Summer 2022  
<http://tqh.alzahra.ac.ir/> Alzahra University

## Abu Ahmad Askarī in the Shiite Hadith Heritage

*Hussein Sattar*<sup>1</sup>

*Seyed Mohammad Moosavi*<sup>2</sup>

Received: 31/05/2021

Accepted: 30/10/2021

DOI: 10.22051/TQH.2021.36218.3223

DOR: 20.1001.1.20082681.1401.19.2.4.7

### Abstract

Abu Ahmad Askarī was one of the greatest Sunni commentators and scholars in the 11th century. His works rank a great place in the area of Islamic Sciences. Considering his school of thought, his place in Shi'a hadith books is significant and worthy of investigation. This article aims to briefly introduce this scholar and examine the works attributed to him by Shi'a sources. In this regard, it's necessary to consider his major works narrated by Sheikh Sadūq, who firstly referred to Abu Ahmad's works, as well as Sayed bin Tāwūs. However, the approach adopted by Ibn Tāwūs to Abu Ahmad's works was the same as Sheikh Sadūq's. The narrations of this free-thinking and unbiased Sunni scholar are examples of the best documents to response the misconceptions raised against Shi'a, especially proving sermons of Nahj Al-Balaghah to Imam Ali (as) such as the sermon Sheqsheqīyah. He is one of the few Sunni scholars who quoted Sheqsheqīyah and explained it in detail as well. Thus, he may be recognized as a Shi'a-oriented scholar. This paper also proves the annulment of two reports about Abu Ahmad, as "Shi'a" or "anti-Shi'a."

**Keywords:** *Abu Ahmad Askarī, Sheikh Sadīq, Sayed Bin Tāwūs, Al-Zawājir wal-Mawā'iz, Sermon Sheqsheqīyah.*

---

<sup>1</sup>. Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Kashan University, Iran.  
sattar@kashanu.ac.ir

<sup>2</sup>. PhD Candidate of Qur'an and Hadith Sciences, Kashan University, Iran.  
seyyedmosavi1375@gmail.com

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، پیاپی ۵۴

مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۰۷-۱۴۵

## ابو احمد عسکری در میراث حدیثی شیعه

حسین ستار<sup>۱</sup>

سید محمد موسوی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸

DOI: 10.22051/TQH.2021.36218.3223

DOR: 20.1001.1.20082681.1401.19.2.4.7

### چکیده

ابو احمد عسکری از بزرگترین ادبا، لغویون و محدثان سنی مذهب قرن چهارم است. آثار و تألیفات او دارای جایگاهی رفیع در حوزه علوم اسلامی است. با توجه به مذهب ابو احمد عسکری، جایگاه او در کتب حدیثی شیعه قابل توجه و در خور بررسی است. این نوشتار تلاش می‌کند پس از معرفی کوتاهی از این اندیشمند به بررسی حضور، جایگاه و گونه‌شناسی استناد به وی در آثار شیعی بپردازد. از این میان توجه به جایگاه و مرویات مهم وی در آثار شیخ صدوق (هم عصر/ مروی عنه) که آغازگر استناد به او در بین شیعیان می‌باشد و نیز سید ابن طاووس (از پسینیان) قابل توجه است. با این حال نوع رویکرد سیدبن طاووس به آثار ابو احمد همان رویکرد صدوق به وی بوده‌است. روایات این عالم بی‌تعصب و آزاد اندیش اهل تسنن از بهترین مستندات استفاده شده در ردیه‌های شیعی و مجادلات کلامی و نیز اثبات صدور و شرح چند خطبه از نهج البلاغه به ویژه خطبه شقشقیه بوده است. او از معدود عالمان اهل تسنن است که هم خطبه شقشقیه را نقل کرده و هم به شرح فقه الحدیثی آن به‌طور تفصیلی پرداخته است. عسکری را با این پیشینه می‌توان در زمره متشیعان برشمرد. این نوشتار ابطال دو گزارش «شیعه بودن» و «ضد شیعه بودن» ابو احمد عسکری را نیز روشن می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** ابو احمد عسکری، شیخ صدوق، سید ابن طاووس، الزواجر و المواعظ، خطبه شقشقیه.

## مقدمه و طرح مسئله

شیخ صدوق (ره) از محدثان سرآمد امامیه به دلیل گردآوری، تألیف، تبویب و تدوین کتاب‌های حدیثی زبانزد است (شیخ طوسی، بی تا، ص ۱۵۷). او برای دستیابی به این هدف ارزشمند سفرهای علمی خویش را آغاز نمود. در این سفرها از استادان بزرگی استفاده کرد و بنا به برخی از گزارش‌ها پاره‌ای از کتاب‌های خود را در این سفرها تألیف نمود (نک: شیخ صدوق، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۸-۹). صدوق به دلیل زحمات کم‌نظیر مرزبان مکتب تشیع شناخته می‌شود. از این رو مطالعه زیست‌نامه‌چنین اندیشمندی موردنظر حدیث پژوهان واقع شده است. از بین آثار گوناگون درباره زندگی علمی شیخ صدوق مطالعه و تحقیق پیرامون استادان و مشایخ حدیثی اهل سنت او توجه محققان را جلب نموده است (نک: مهروش، ۱۳۸۸ش، ص ۱۷۱-۱۹۶؛ ستار، ۱۳۹۳، ص ۲۰۷-۲۳۸ و ۱۳۹۷ش، ص ۳۱۱-۳۴۰). زیرا از یک سو شیخ صدوق هم در مشافهه حضوری و هم در استفاده از کتب مشایخ اهل سنت، احادیث معتنابهی از این عالمان به حوزه شیعی و امامیه منتقل نمود. و از طرف دیگر احادیث منقول از استادان و مشایخ اهل سنت صدوق، در مباحث تفسیری، فضائل نویسی، ردیه نویسی و فقهی مورد توجه علمای شیعه قرار گرفته. از این رو می‌توان گفت شیخ صدوق سهم بزرگی در انتقال این میراث ارزشمند بر عهده داشته است.

این مسئله که شیخ صدوق مشایخ حدیثی فراوانی به ویژه از اهل سنت دارد (لجنه التحقیق، ۱۴۳۲ق، ص ۶۷ به نقل از ستار، ۱۳۹۳ش، ص ۲۰۹) پیامدها و آثار متعددی به دنبال داشته است. برای نمونه با گذشت زمان و با دور شدن از عصر شیخ صدوق، حدیث پژوهان در کتب روایی وی با روایات و مرویاتی روبرو شدند که در نگاه نخست رنگ و بوی شیعی داشته، اما در اصل از روایات اهل سنت و بعضاً همراه با مبانی کلامی اهل سنت بوده است. امروزه حدیث پژوهان به این رخداد «انتقال خبر از مذهب رقیب به مذهب

امامیه<sup>۱</sup> می‌گویند. لذا شناسایی، مطالعه و تحلیل جایگاه و نقش مشایخ اهل سنت صدوق در مکتوبات باقیمانده وی اهمیت افزون‌تری خواهد یافت.

از جمله مشایخ اهل سنت صدوق فردی به نام «أبو أحمد عسکری حسن بن عبد الله بن سعید» است. وی به‌عنوان یکی از مشایخ غیر امامی شیخ صدوق و از راویان خطبه شفشقیه شناخته می‌شود (امینی، ۱۳۸۷ ش، ج ۷، ص ۸۳). به یقین نقل شیخ صدوق از مشایخی همچون ابو احمد عسکری انگیزه‌های گوناگونی به دنبال داشته.

پی‌جویی این مسئله می‌تواند انگیزه و اندیشه شیخ صدوق در این راهبرد را برای ما بیش‌ازپیش روشن سازد. از این رو در این جستار با ترسیم فرضیه‌های زیر درصدد پاسخگویی به زوایای نهفته کثرت استماع صدوق از مشایخ غیر امامی به‌ویژه حسن بن عبدالله العسکری خواهیم بود.

## فرضیه‌ها

۱. گمانه‌ها و تردیدها در مذهب ابو احمد و انتساب او به تشیع؛ فاقد ادله کافی و مخالف گزارش‌های تاریخی است.
۲. مهم‌ترین واسطه در انتقال میراث حدیثی و فقه الحدیثی ابو احمد عسکری به میراث حدیثی شیعه؛ شیخ صدوق بوده است.
۳. نمودار کاربست فراوانی استناد به مرویات ابو احمد عسکری در کتب امامیه، نشانگر استنادات مکرر عالمان شیعی به او در نقل فضائل اهل بیت است.

---

<sup>۱</sup> علامه عسکری اولین کسی است که اصطلاح «روایات منتقله» را به کار برد. از دیدگاه وی پدیده روایات منتقله در قبال عمده روایاتی استفاده می‌شود که از لحاظ محتوایی به تحریف قرآن اشاره دارند (عسکری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۲۴). از دیگر دانشمندانی که به این پدیده به طور مستقل پرداخته آیت‌الله صالحی نجف آبادی است (نجف آبادی، حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع، ۱۳۹۰، ص ۲۳).

در نگرشی کلی‌تر، می‌توان اصطلاح منتقله را به سایر فرق اسلامی نیز تسری داد و تعریفی عام از آن ارائه نمود. سخنان، مرویات و آثاری که از یک دین یا فرقه به دین یا فرقه دیگر راه یافته و در موارد و منابعی، تلقی به قبول شده است (ستار، ۱۳۹۳، مقدمه، ص ۲).

### پیشینه تحقیق

یافته‌ها و دانسته‌های حدیث پژوهان از مشایخ حدیثی شیخ صدوق بسیار کم است. ولیکن در این راستا کوشش‌ها و تحقیقات شایان توجهی انجام شده است. پژوهش پیرامون مشایخ حدیثی را می‌توانیم از لابه‌لای شناخت‌نامه شیخ صدوق به دست آوریم (معارف، ۱۳۸۹ش، ص ۲۴). از دیگر آثار در این زمینه می‌توان کتاب «محدث صادق» استاد معارف را نام برد.<sup>۱</sup> نوع این آثار البته بیش از آنکه شرح و بسط اندیشه‌های حدیثی شیخ صدوق باشد، دربرگیرنده شرح حال، مشایخ، شاگردان و آثار مکتوب اوست.

همچنین ربانی شیرازی در اثر تحقیقی دیگری ذیل عنوان «معجم اساتذته و مشائخه و من روی عنهم» ۲۵۲ نفر از مشایخ حدیثی صدوق را نامبرده است (ربانی شیرازی، ۱۳۹۹ش، ص ۳۷). ناگفته نماند محققان دیگری این مسیر را ادامه داده و مقالاتی در این باره به رشته تحریر در آورده‌اند.<sup>۲</sup>

با عنایت به تحقیقات پیش گفته، مطالعه جایگاه و نقش ابو احمد عسکری در تراث روایی صدوق در عداد پژوهش‌های بکر و ناب قرار می‌گیرد. باید افزود اثر «ابو احمد و ابو هلال عسکری» به کوشش دکتر محمدعلی شیخ به نقش و جایگاه عسکری‌ها در عرصه دانش ادبیات پرداخته و همچنین مقاله دیگری درباره زندگانی ابو احمد عسکری در یکی از مدخل‌های دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به کوشش عنایت‌الله فاتحی نژاد نوشته شده و اثری وزین و قابل توجه در این موضوع است. درحالی که باید تأکید کرد این نوشتار از زوایای نوینی به این موضوع نگریسته است: ۱- زندگی ابو احمد عسکری؛ ۲- بهره‌گیری اهل تسنن از ابواحمد در حدیث و فقه الحدیث و تاریخ؛ ۳- یاد کرد ابو احمد در منابع

<sup>۱</sup> مجید معارف، محدث صادق (مروری بر زندگی و آثار شیخ صدوق)، تهران، همشهری، ۱۳۸۸.

<sup>۲</sup> برای اطلاع بیشتر بنگرید به: مقاله «بررسی و میزان تأثیرگذاری ابن بابویه و ابن الولید بر شیخ صدوق» اثر حسین ستار و عاطفه خاتمی (۱۳۹۷ش).

و مقاله «محمد بن احمد شبیبی محدثی از مکتب ری در نسل مشایخ شیخ صدوق» اثر فرهنگ مهرش (۱۳۸۸ش).

رجالی شیعه؛ ۴- مذهب ابو احمد در منابع شیعی؛ ۵- راه یابی میراث ابو احمد به منابع شیعی و میزان بسامد مرویات وی در تراث روایی صدوق؛ ۶- مطالعه گمانه‌های ملاقات ابو احمد عسکری و شیخ صدوق.

بنابراین پژوهش درباره ابو احمد عسکری که از پیشوایان ادیب و واسطه انتقال اخبار اهل سنت به منابع شیعی بوده و با عنایت به اقوال مختلف درباره مذهب وی و نیز کندوکاو جایگاه او در کتب حدیثی شیعه ضرورت این پژوهش دوچندان شده است. تا آنجا که نویسندگان این جستار تتبع نموده‌اند این تحقیق در نوع خود جدید و گامی روبه جلو است که باید رهیافت‌های نوینی در عرصه صدوق پژوهی به آن اضافه کرد.

### ۱. زندگی ابو احمد

ابو احمد حسن بن عبدالله بن سعید عسکری (أبو الفداء، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۳) ادیب، لغت دان و محدث قرن چهارم از منطقه عسکر مکرّم در خوزستان است. از او به «احد الاثمه الادب» (السمعانی، ۱۳۸۲ق، ج ۹، ص ۲۹۸)؛ «اللَّغَوِيُّ الْعَلَامَةُ» (الحموی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۹۱۱)؛ «العلامة الراویة» (ابن تغری بردی، ۱۳۴۲ق، ج ۴، ص ۱۶۳)؛ «أَحَدُ الْأَثْمَةِ فِي الْأَدَبِ وَالْحِفْظِ» (ابن الأثیر، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۰) و «صَاحِبُ الْأَخْبَارِ وَالنَّوَادِرِ» (ابن الأثیر، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۰) یاد شده است؛ کما اینکه در نوع منابع پیش گفته، فراوانی علمیت تصنیفات و تألیفات او در گزاره‌هایی همچون «صاحب التصانیف الکبیره» بازتاب داده شده است (أبو الفداء، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۳) و نیکویی این آثار تحت عنوان «ملیح و حسن» (ابن الأثیر، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۰) و «التَّصَانِيفُ الْمُفِيدَةُ» (ابن خلکان، بی تا، ج ۲، ص ۸۳) مورد توجه قرار گرفته است.

هم او در خاندانی عالم و ادیب رشد یافته و هم شهر عسکر مکرّم مکانی مناسب برای زندگانی عالمان و برگزاری گفتگوهای ادیبان بوده است. تا آنجا که ابو احمد نیز فعالیت‌های عالمانه خود را بیشتر و پس از گشت و گذارها و سفرهایش در این شهر به انتها

رسانید. (الحموی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۹۱۲). محل نشو و نما و موطن ابواحمد همین عسکر مکرم بوده است. تاریخ تولد او در تاریخ به دقیق ترین شکل ممکن ثبت شده است؛ روز پنجشنبه‌ای، دهم شوال سال ۲۹۳ هجری (الحموی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۹۱۱). اینکه بعضی منابع سخن از تولد او در مکانی به نام عسکر مکرم در خراسان گفته‌اند صحیح نیست.<sup>۱</sup> علاوه بر اینکه هیچ گاه محلی به نام عسکر مکرم در خراسان یاد نشده و تنها محله‌ای به نام عسکر در نیشابور گزارش شده است (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹ش، ج ۴، ص ۱۳۶).

فوت او نیز در بعضی منابع به صورت دقیق یاد شده؛ جمعه، ذی حجه سال ۳۸۲ ه.ق (الحموی، ۱۹۹۳م، ج ۲، ص ۹۱۱). سال ۳۸۲ مورد تأیید و تأکید اکثر مورخان قرار گرفته است (الیافی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۱۲). البته برخی منابع فوت او را در وقایع سال ۳۸۷ ق گزارش نموده‌اند (أبو الفداء، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۳) که با توجه به قرآینی صحیح نیست. از جمله اینکه صاحب بن عباد که وی را رثا<sup>۲</sup> گفته، خود در ۳۸۵ ق در گذشته است. (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی؛ مدخل ابو احمد عسکری). افزون بر این با نظر بیشتر شرح حال نویسان اختلاف دارد و احتمال دارد با یکی دیگر از خاندان ابواحمد این خلط صورت گرفته باشد. ریحانه الأدب از سال ۳۸۳ نیز به عنوان تاریخ وفات یاد می کند که بی دلیل است و بدون مستند (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹ش، ج ۴، ص ۱۳۷).

اینکه عسکری در همین عسکر مکرم متولد شده باشد حدسی موجه به نظر می آید (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹ش، ج ۴، ص ۱۳۶). که جای گزیدن عسکری در آن شهر و خاندان شناخته تر شده او در این مرکز احتمال را تقویت می کند؛ هر چند در منابع تاریخی ذکری از این محل تولد نشده باشد.

## ۲. بهره گیری اهل تسنن از ابواحمد در حدیث و فقه الحدیث و تاریخ

۱. مقدمه «شرح ما یقع فیہ التحصیف و التحریف ؛ صفحه: ج»؛ ولادته بعسکر مکرم احدی مدن خراسان.

۲. با جستجوی فراوان تا کنون این رثا در کتب و تراجم یافت نشد.

علاوه بر گستره استنادات به او در حوزه ادب و لغت، نظرات درایه الحدیثی ابواحمد در برخی از منابع حدیثی مورد توجه قرار گرفته است (آل ناجی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۸۵، مغلطای، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۱۱).

در بعضی کتب نیز به اقوال و مرویات ابو احمد به مثابه وجه موید در تبیین آرای دیگر اندیشمندان نگریسته شده است (ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۷۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۲۳۵). در این بین هرازگاهی از او به عنوان «الحاکم ابو عبدالله» در کتب حدیث یاد شده است، در حالی که از نظر صاحب اسد الغابه فی معرفه الصحابه این اشتباهی آشکار است (ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۹۳). گاهی نیز حسن بن عبدالله العسکری در سلسله اسناد روایات ذکر شده است (نک: الحموی، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۹۱۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۹۹؛ همو، ج ۱، ص ۱۰۴). جمال الدین مزنی به طور محدود از مرویات ابو احمد عسکری یاد کرده (المزی، ج ۶، ص ۵۵۶ و ج ۴، ص ۴۸۱).

نظرات درایه الحدیثی او در برخی از منابع حدیثی اهل سنت دیده می شود همچون: «وقال أبو أحمد العسکری: حدیثه مرسل» و «وقال البخاری وأبو حاتم حدیثه» (العسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۲۸۳) و «قُلْتُ قَالَ أَبُو أَحْمَدَ الْعَسْكَرِيُّ فِي تَصْحِيفَاتِ الْمُحَدِّثِينَ مِنْ ثِقَاتِ الْأَشَّامِيِّينَ» (آل ناجی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۸۵). همچنین نگاه کنید به (مغلطای، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۱۱؛ عسقلانی، بی تا، ج ۶، ص ۱۴۰).

در بعضی نیز به اقوال و مرویات ابو احمد به مثابه وجه موید در تبیین آرای دیگر اندیشمندان نگریسته شده است (ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۷۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۲۳۵). در این بین هرازگاهی از او به عنوان «الحاکم ابو عبدالله» یاد شده است در حالی که از نظر صاحب اسد الغابه فی معرفه الصحابه این اشتباهی آشکار است؛ چه اینکه آورده است: «ذکره الحاکم أبو أحمد العسکری عبدالله وهو خطأ لا شك فيه وقد شطب على هذه الزيادة وهي أحمد العسکری في مخطوطة الدار وهي غير ثابتة في المصورة والحاکم أبو عبد الله هو محمد بن عبد الله بن حمدويه توفي سنة وهو صاحب تاريخ نيسابور، ينظر



الأعلام: ۱۰۱/۷» (ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۹۳). گاهی نیز حسن بن عبدالله العسکری در سلسله اسناد روایات ذکر شده است (نک: الحموی، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۹۱۳؛ ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۱۵؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۹۹؛ همو، ج ۱، ص ۱۰۴؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۲۵۴).<sup>۱</sup>

### ۳. یاد کرد ابو احمد در منابع رجالی شیعه

تراجم شیعه البته نوعاً انعکاس دهنده همین گزارش‌های یادشده بوده‌اند؛ هرچند در مذهب و رویکرد ابواحمد سخنانی قابل توجه را مطرح نموده‌اند. اولین بار در حوزه تشیع؛ این شیخ صدوق است که هم در حوزه نقل حدیث و هم در حوزه فقه الحدیث از این عالم معاصر خود نام برده و مطالبی را از ایشان نقل کرده است.

نام و نشان ابو احمد عسکری در برخی از کتب رجالی پسینیان شیعی وجود دارد. گرچه برخی نسبت به جرح و تعدیل او سکوت کرده و سخنی از مذهب وی بیان نکرده‌اند و تنها به گزارش چندی از نگاه‌های وی اکتفا نموده‌اند (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۲۳). در متأخران، مامقانی از جمله رجال‌نویسانی است که ابواحمد عسکری را مورد توجه قرار داده است. صاحب تنقیح المقال، عسکری را از مشایخ حدیثی صدوق دانسته و به گزارش پاره‌ای از منقولات شیخ صدوق از وی بسنده نموده است. او بر این باور است «ابی محمد الحسین» و «ابو احمد» یک فرد هستند و ظاهر بر آن است که در نقل، تصحیفی رخ داده است (مامقانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲۲، ص ۱۹۵-۱۹۶).

او می‌افزاید نام «الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعَسْكَرِيُّ» در بسیاری از اساتید روایات، ذکر شده و مناسب است کنیه وی ابو محمد العسکری باشد نه ابا احمد (همو، ص ۱۹۶). مامقانی پیرامون مذهب عسکری چنین باور دارد که مضمون روایات عسکری و شیخوخت وی

<sup>۱</sup> اطلاعات بیشتر درباره زندگانی ابواحمد عسکری در کتاب صدوق پژوهی از همین مؤلف منتشر خواهد شد.

برای صدوق نشان می‌دهد وی اقلأ امامی مذهب باشد یا نزد بعضی از امامیه ثقه و مورد اطمینان باشد (همان). مامقانی در دیگر مجلدات کتاب تنقیح المقال بر باور خویش پیرامون مذهب امامی عسکری تأکید می‌نماید (همو، ۱۴۲۳، ج ۱۹، ص ۳۹۳). گرچه جای بسی شگفتی است که مامقانی در بخشی دیگر از کتاب تنقیح المقال و پس از چند بار تأکید بر مذهب امامی وی، ابو احمد عسکری را متمایل به معتزله اعلام می‌دارد (همو، ص ۳۹۱). گفتنی است تمایل ابو احمد عسکری به معتزله را تنها ابن جوزی در المنتظم (ابن جوزی، ۱۳۵۸ق، ج ۷، ص ۱۹۱) تصریح نموده است.

از دیگر سو گویا مفصل‌ترین بحث رجالی پیرامون «ابو احمد عسکری» توسط علامه سید محسن امین نگاشته شده در حالی که در برخی از منابع از او به عنوان ادیبی سرشناس یاد شده است و آرای او جهت تأیید یا رد بر اقوال اندیشمندان مورد تمسک قرار می‌گیرد (حجتی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۱۹۲).

#### ۴. مذهب ابو احمد در منابع شیعی

از میان کتب تراجم شیعه، صاحب اعیان الشیعه تلاش کرده تا وی را به مذهب تشیع منتسب نماید؛ هر چند این سخن را می‌توان از سخن ریاض نیز استظهار نمود، اما این نظر چندان مورد توجه قرار نگرفته است. آنچه بیش از همه علامه امین را به سمت شیعه دانستن ابو احمد عسکری سوق داده، نقل و شرح خطبه شفشقیه توسط ابو احمد عسکری برای صدوق در قرن چهارم است.

وی پس از نقل قول صاحب ریاض با عنوان «تشیعه فی الریاض» (افندی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۲۰۰) به این نتیجه رسیده که: «و کَفَى بَكُونِهِ شَيْخًا لِلصَّدُوقِ دَلِيلًا عَلَى تَشْيِعِهِ وَيُرْشِدُ إِلَيْهِ رِوَايَتُهُ عَنِ ابْنِ دُرَيْدٍ وَتَشَوُّقَ الصَّاحِبِ بْنِ عَبَّادٍ إِلَى رُؤْيَتِهِ كَمَا يَأْتِي» (امین، ج ۵، ص ۱۴۶).

افندی البته در ریاض اظهار نموده که من در کتب رجالی اسم ابواحمد را نیافتم و با تردید و به نقل از بشاره المصطفی گفته که او از مشایخ صدوق بوده (افندی، ۱۳۸۹ق، ج ۱،

ص ۲۰۰). هر چند افندی با مراجعه به کتب صدوق به راحتی می توانست به شیخوخیت ابواحمد نسبت به صدوق مطمئن شود تا نیازی به قول بشاره المصطفی متأخر نباشد.

آن سه دلیل علامه امین در تشیع ابواحمد عسکری عبارت اند از:

۱. عسکری از مشایخ صدوق بوده است؛

۲. عسکری از ابودرید روایت نموده است؛

۳. صاحب بن عباد او را به ری دعوت نموده است.

هر کدام از دلایل سه گانه مزبور قابل نقد بوده، بلکه غیر قابل استناد باشد.

۱. اما اینکه «عسکری از مشایخ صدوق بوده است» با اندک مراجعه به کتب متعدد صدوق همچون امالی و خصال و معانی و التوحید و ... درستی آن مشهود است، اما اینکه چون عسکری شیخ صدوق بوده پس شیعه باید باشد نتیجه درستی نیست. صدوق نه تنها از مخالفان، بلکه از نواصب نیز سخنان فراوانی در کتب متعدد خود نقل نموده به گونه ای که کمتر محدث شیعه ای این تعدد نقل از اهل تسنن و مخالفان مذهبی خود دارد. در اینجا فقط به ذکر یک نمونه از این مخالفان اکتفا می کنم: «ابونصر، أحمد بن حسین بن أحمد بن مروان بن عبید بن اَبی مروان ضَبی متوفی ۳۸۰ که شیخ صدوق او را از بدترین مخالفان و متعصبان شیعه دانسته. صدوق از او سخنان مختلفی به خصوص در عیون اخبار الرضا نقل نموده، اما این فراوانی نقل از یک شیخ دلیل بر مذهب وی نیست (ستار، ۱۳۹۳ش، ص ۱۴۷).

۲. اما سستی این گزاره «عسکری از ابودرید روایت نموده است و ابن درید شیعه است؛ پس باید عسکری نیز که شاگرد اوست شیعه باشد» با توجه به استدلال ارائه شده در بخش نخست آن معلوم می شود؛ افزون بر این تشیع ابن درید نیز محل اختلاف است. (برای تردیدها در مذهب وی بنگرید به (مدخل ابن درید؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی).

۳. اما مدعای سوم نگارنده اعیان الشیعه اعیان که چون «صاحب عباد، عسکری را به ری دعوت نموده پس او شیعه است.» نیز پذیرفتنی نیست. اولاً چنانکه خود اعیان الشیعه و

البته دیگر تراجم به تفصیل نقل نموده‌اند، عسکری هیچ‌گاه دعوت وزیر بویهی را نپذیرفت؛ ثانیاً این دعوت‌ها از سیره علمی و مدیریتی و علائق دانشی صاحب نشأت می‌گرفته است، نه از علائق مذهبی او. صاحب بن عباد چه در دوره صدارت و وزارت اصفهان و چه ری تمایل فراوانی به جمع کتب، تأسیس کتابخانه، مصاحبت با عالمان، برگزاری مناظرات با اصحاب فرق و تکریم و منزلت آنان داشته است؛ تا حدی که برای بسیاری از عالمان مکه و مدینه و بغداد نیز فارغ از مذهب و مکتب آن‌ها مقررری تعیین نموده بود.<sup>۱</sup> از این رو دعوت صرف صاحب بن عباد نمی‌تواند نشانگر مذهب دعوت شونده باشد.

۴. ابو احمد عسکری از مشایخ اهل سنت و مذهب معتزلی بوده است و اهتمامی خاص به بیان جایگاه اهل بیت، فضل، علم و تقوای آنان داشته است. بسیاری بیش از عسکری در فضایل اهل بیت سخن گفته‌اند؛ همانند حاکم نیشابوری و حسکانی، اما تردیدی در مذهب غیر شیعی آنان نیست. سخن این است که این‌ها می‌تواند قرینه‌ای بر مدعا باشد؛ ولیکن به‌عنوان دلیل امر مشکلی است. وجود قرائن و شواهد ادعایی نیز به واسطه مخالفت با گزارش‌ها و مستندات تاریخی کنار گذاشته می‌شود. همین اختلاف مذهبی او با شیعیان بوده که سخنانش را برای عالمان شیعی همچون صدوق و سید ابن طاووس مهم و قابل یادکرد جلوه داده است.

## ۵. بهره‌گیری منابع شیعی از میراث علمی ابو احمد / راه‌یابی میراث ابو احمد به منابع شیعی

نخستین کسی که در بین شیعیان به نقل روایت الحدیث و فقه الحدیث از ابو احمد عسکری پرداخته، شیخ صدوق است. بعدتر ابتدا شیخ طوسی و سپس در قرن ششم نویسنده بشاره

<sup>۱</sup> برای تفصیل بیشتر بنگرید به صاحب بن عباد؛ شرح احوال و آثار؛ احمد بهمنیار، محمدابراهیم باستانی پاریزی؛ ۱۳۸۳؛ مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران

المصطفی، ابن عماد طبری و سپس در قرن هفتم سید ابن طاووس است که به ذکر روایات و گاه نقل فقه الحدیث او توجه داشته‌اند.

## ۵-۱. در آثار صدوق

حضور برخی از راویان در اسناد جوامع حدیثی شیعیان، زمینه انتقال اخبار اهل سنت به تراث روایی شیعیان را فراهم آورده است. بامطالعۀ موردی منقولات و مرویات ابو احمد عسکری از مشایخ حدیثی اهل سنت شیخ صدوق، شواهدی برای دیدگاه مزبور فراهم شده است. کندوکاو در مرویات ابو احمد عسکری در پهنۀ جوامع حدیثی فریقین و شهرت قابل توجه او نزد اهل سنت و همچنین اخبار منقول از او در سلسله اسناد شیخ صدوق، بسترساز ایجاد پدیده اخبار منتقله می‌شود. این نوشتار به احادیث و اخباری می‌پردازد که گمان می‌رود به واسطۀ ابو احمد عسکری از جوامع حدیثی اهل سنت به کتب شیعیان راه یافته است. باید خاطر نشان کرد شیخ صدوق از محدثان پرتلاشی است که با داشتن خصوصیتی از دیگر اندیشمندان شیعی، متفاوت شده است. کثرت مشایخ شیخ صدوق به خصوص از اهل سنت از وجوه تمایز صدوق از دیگران محدثان به حساب می‌آید؛ (لجنة التحقيق، ۱۴۳۲ق، ص ۶۷ به نقل از ستار، ۱۳۹۳ش، ص ۲۰۹). از روی تحقیق حسن بن عبدالله عسکری از مشایخ اهل سنت صدوق (نگاه کنید به «مذهب عسکری» در همین نوشتار) بوده که صدوق از او احادیث متعددی آورده است. شمارش آماری اسناد آغاز شده با ابو احمد عسکری نشان می‌دهد بیشترین نقل از وی توسط صدوق در کتب الخصال و عیون اخبار الرضا علیه السلام است. از طرفی هیچ‌گاه شیخ صدوق از ابو احمد عسکری با ترضی و ترحم یاد نکرده است.

گفتنی است در مواردی محدود؛ سند منقول مندرج در کتب حدیثی شیخ صدوق دچار پدیده تصحیف نیز شده است و گاهی «حسن» به «حسین» (شیخ صدوق، بی تا،

ص ۶۱۸ و شیخ صدوق، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۶۵) و نیز «سعید» به «سعد» (شیخ صدوق، ۱۳۸۸ش، ص ۶) تصحیف شده است.

همین روایات صدوق از او، حاوی اطلاعات بسیار مفیدی از ابو احمد است. ابو احمد عسکری دارای مشایخ گوناگون و مشهوری بوده است. یکی از آن مشایخ حدیثی عموی ابواحمد، علی بن سعید العسکری است. با تفحص در اخبار منقول در کتب شیخ صدوق، نام علی بن سعید العسکری در سلسله اسناد یک حدیث و با یک واسطه (محمد بن ابراهیم بن یونس معاذی) ذکر شده است؛ حدیثی که در سه کتاب صدوق بعینه در خصوص سیره رسول الله در رمضان در پاسخ به نیازمندان و آزادی اسیران تکرار شده است (صدوق، بی تا، ص: ۵۹؛ صدوق، ۱۳۷۸ش، ص ۷۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۲ق، ص ۷۵).

اما یک نقل تأمل برانگیز دیگر از علی بن سعید با واسطه ابواحمد عسکری در باب ساعات روز در خصال گزارش شده که معرف عموی عسکری به عنوان یکی از مشایخ اوست؛ جایی که عسکری با عنوان «عمی» از علی بن سعید یاد نموده (صدوق، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۸۸). در منابع و تراجمی که جستجو شده هیچ گاه ذکری از شیخوخیت علی بن سعید نسبت به ابواحمد به میان نیامده و این یکی از داده‌های منحصر به فرد صدوق در خصوص عسکری است. البته نقلی وجود دارد که اسم این دو محدث کنار یکدیگر آمده، اما تصریحی مبنی بر قرابت خانوادگی بین آن دو در آنجا دیده نشد (نک: بلقینی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۸۲۳).

### ۵-۱-۱. روایت حدیث

شیخ صدوق در آثارش بیش از ۴۵ بار از او یاد نموده است. جدا از روایاتی که شیخ صدوق از او نقل نموده می‌توان به بهره‌های فقه الحدیثی صدوق از او، به خصوص در دو کتاب علل الشرایع و معانی الاخبار نیز اشاره نمود.

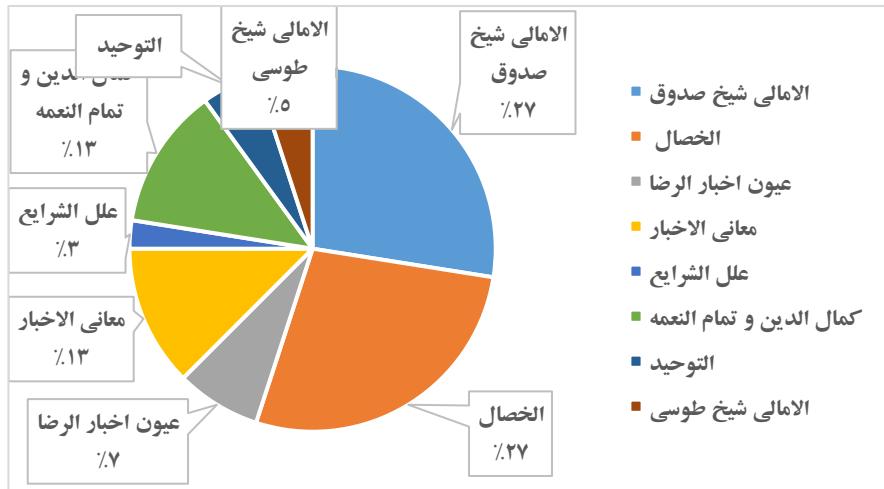
صدوق ۱۲ روایت از او در کتاب امالی، ۱۳ روایت در خصال (از جمله صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۳۱، ۱۱۴ و ج ۲، ص ۳۴۶، ۳۵۵ و ۳۶۰) و ۸ روایت در کمال‌الدین و تمام النعمه (از جمله صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۳۵، ۲۳۹) نقل نموده است. در کتاب علل الشرایع ابتدا از او حدیثی در باب علت ترک ولایت حضرت علی علیه‌السلام و رجوع به دیگران (صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۴۵) نقل و سپس تفسیر خبری مشابه آن را از وی ذکر نموده است. (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۵۲) در دیگر کتب صدوق نیز همچون معانی الاخبار (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۳۲۳، ۹۰، ۸۰، ۲۳۲) و فضائل الشیعه (صدوق، بی تا، ص ۶) و عیون اخبار الرضا علیه‌السلام (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۳۱۵ و ج ۱، ص ۲۵) هم به‌عنوان شیخ صدوق از عبدالله بن سعید سخن به میان آمده و صدوق احادیث او را نقل نموده است.

روایات صدوق از او، گاه جنبه تاریخی دارد؛ همانند تمجید امام باقر از زید بن علی (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۴۰-۴۱ و ۶۱۹) یا علت دشمنی مردمان با علی علیه‌السلام با وجود معرفت به مقام و جایگاه وی (صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۵۲ و ج ۱، ص ۱۴۵) و یا اخباری در احوال قس بن ساعده الایادی و جایگاه وی نزد پیامبر (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۱۶۶). همچنین روایات صدوق از عبدالله گاه جنبه تفسیری دارد؛ همانند تفسیر نصیب از دنیا در آیه شریفه «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷) به سلامتی و توانایی و جوانی و نشاط (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۲۲۹-۲۲۸) و نیز در (امالی در تفسیر آیه الرحمن: ۶۰، ص ۳۸۷)، گاه در فضائل اهل بیت است (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۲۲۹ و نیز ص ۱۲) یا آنچه وی در کتاب خصال در باب فواید دوستی پیامبر و اهل بیت در موطن سبعه نقل نموده (صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۳۶۰) و گاه این روایات جنبه اخلاقی دارد؛ همانند نصایح حضرت به قیس بن عاصم (صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۱۱۵-۱۱۴ و نیز همان، ج ۱، ص ۱۶۳؛ أَشَدُّ مَا يَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي، همان، ج ۱، ص ۲۰۲) و یا آنچه در معانی الاخبار آمده است (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۳۲۳).

باین حال وجه غالب در نقل روایات از عسکری در کتب صدوق، همانند بسیاری از مشایخ عامی دیگر و بیان جایگاه اهل بیت آن‌هم از زبان یکی از مخالفان کلامی آنان است. شیخ صدوق از زبان عسکری حدیث ثقلین را به سه روایت در یک جای کتاب کمال‌الدین می‌آورد (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۳۷).

از سوی دیگر صدوق به روایات او در بیان دلایل نفسانی و عقده‌های فروگرفته در دشمنی مخالفان علی (ع) تأکید دارد (صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۴۵) و به تفسیر چنین اخباری از زبان او می‌پردازد (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۱۱).

نمودار فراوانی کاربرد نام ابو احمد عسکری در آثار پیشینیان



### ۵-۱-۲. فقه الحدیث

گرچه شیخ صدوق در روایت حدیث بیش از فقه الحدیث از ابو احمد عسکری بهره برده، اما گزارش‌های صدوق از ابو احمد عسکری در درایت و فقه الحدیث صدوق قابل تأمل است. زمانی این مطلب بیشتر جلب توجه می‌کند که صدوق در ملاقات حضوری از ابو احمد عسکری شرح و تبیین خطبه شقشقیه را نقل کرده باشد. این قسمت در واقع



مفصل ترین نقل صدوق از ابواحمد است. این شرح ابواحمد بر این خطبه و تبیین یک به یک واژه‌ها دال بر اعتبار خطبه نزد او و نیز اهمیت این خطبه در آن زمان دارد.

### ۵-۱-۳. ملاقات ابواحمد عسکری با شیخ صدوق

اطلاعات و دانسته‌های ما از تعاملات و یا فراز و فرود زندگی ابواحمد عسکری در مواجهه با شیخ صدوق محدود به همان اطلاعاتی است که صدوق در کتب خود به یادگار گذاشته، اما ریزی‌بینی و کاوش بیشتر در همین داده‌های صدوق، اطلاعاتی ناب و منحصر دارد که به نحو تعجب‌آمیزی هنوز مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است؛ از جمله دیدار شیخ صدوق و عسکری. هیچ یک از تراجم از این رخداد سخنی به میان نیاورده‌اند، اما گزارش زیر توسط صدوق نشانگر وقوع چنین رخدادی است:

او پس از آنکه در «بَابُ الْعِلَّةِ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا تَرَكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مُجَاهِدَةً أَهْلِ الْخِلَافِ» (صدوق، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۴۶) به بیان روایات گوناگون در این باب پرداخته و از جمله خطبه شقشقیه را به دو نقل متفاوت از دو تن از مشایخ خود (همان؛ ۱۵۰؛ ۱۵۳) نقل می‌نماید؛ به تفسیر خطبه از ابو احمد در طی دو صفحه پرداخته است و با این عبارات نحوه گزارش خود را برای خواننده روایت نموده است:

" قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ سَأَلْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ الْعَسْكَرِيَّ عَنْ تَفْسِيرِ هَذَا الْخَبَرِ فَفَسَّرَهُ لِي... " (صدوق، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۵۳-۱۵۲).

عبارت یادشده به وضوح دلالت بر ملاقات حضوری صدوق با عسکری و نقل فقه اللغه از وی می‌باشد. اصولاً واژه «سألت» هیچ‌گاه در مواجهه بالمکاتبه استفاده نمی‌شود. علاوه بر آنکه عبارت «قال لی...» در ادامه راه هرگونه احتمال مواجهه غیر حضوری را نیز می‌بندد. اگر هم ترکیب دو واژه «سألت» و «مصنف» را در مجموع آثار صدوق جستجو کنیم، خواهیم دید که این ترکیب را در یک مورد غیر از عسکری، صدوق به کار برده که قطعاً دال بر ملاقات حضوری است؛ جایی که وی از دیدار خود با ابوبشر لغوی در مدینه

السلام به صورت حضوری یاد نموده است. (صدوق، ۱۳۷۷، ص ۹۶).<sup>۱</sup> همچنین از تعبیر «سألت» مکاتبه فهم نمی‌شود چون لسان روایات در نامه‌نگاری‌ها با «سألت» نبوده بلکه نامه‌نگاران و دبیران از «کتبت» استفاده می‌نموده‌اند (کلینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۱۷). البته قرینه دیگر بر این مدعا کاربرد تعبیری همچون «حدثنا، حدثنی» هنگام نقل صدوق از عسکری است که فرضیه ما را تقویت می‌نماید.

بنابراین تردیدی در مواجهه مستقیم و رو در روی صدوق با عسکری باقی نمی‌ماند. برای نگارنده این سطور نیز با توجه به گزارش صدوق در علل الشرایع، عدم ارائه و ذکر این گزارش در متون تاریخی و رجال، جای بسی شگفتی است و عدم اشاره به مواجهه و ملاقات مستقیم بین صدوق و شیخ صدوق محل تردید است. احتمال اشتباه صدوق در ارائه این گزارش چندان قابل اعتماد نیست و احتمال خلط بین ابو احمد عسکری با دیگر افراد مسمی به «عسکری» نیز در قالب رجال شیخ با جستجوی ساده منتفی می‌گردد.

باقی می‌ماند حدس و گمان‌ها در خصوص تعیین محل این ملاقات که خود مجالی دیگر می‌طلبد. بغداد و عسکر مکرم و نیشابور و ری و قم از مکان‌هایی هستند که به ذهن خطور می‌کند. با جستجویی که در آثار شیخ صدوق انجام شد می‌توان گفت صدوق نوعاً در سفرها و مهاجرت‌ها و اقامت در بلاد در زمان تحمل حدیث، مکان و حتی زمان را مشخص می‌کرده و معمولاً از تحمل حدیث در شهر قم و ری که در آن ساکن بوده یاد نموده است. از این رو با توجه به اینکه صدوق در نقل از عسکری زمان و مکان را یاد نموده؛ احتمال ملاقات در قم تقویت می‌شود؛ خصوصاً که تراجم از حضور عمومی وی در قم سخن گفته‌اند.

ادعای طرائف در تدوین و اتمام کتاب معانی الخبر در سال ۳۳۱ هجری قمری (سید ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۴۱۷) با توجه به اینکه صدوق در همین کتاب از عسکری به

<sup>۱</sup> «قال مصنف هذا الكتاب رضى الله عنه سألت أبا بشر اللغوى بمدينة السلام عن معنى الإمام فقال....»

نقل خطبه و معنای خطبه شششقیه پرداخته و با توجه به اینکه شیخ در این تاریخ هنوز در قم بوده این احتمال را تقویت می‌کند.

### ۲-۵. شیخ طوسی

طوسی باب ۱۵ امالی خود را به احادیث شیخ صدوق به روایت الحسین بن عبیدالله الغضائری اختصاص داده است و در این بین ضمن نقل ۵۱ روایت این باب، دو روایت از ابواحمد عسکری نقل نموده است (طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۲۱). یکی حدیثی است که گاه به «اشعث اغبر» معرفی شده و در فضیلت مستمندان عابد پیشه است.<sup>۱</sup> این نقل از ابوهریره در کتب اهل تسنن فراوان مورد توجه قرار گرفته است. حدیث دیگر هم نقل روایت تفسیری ذیل آیه «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» از پیامبر است (همان، ص ۴۲۹). می‌بینیم که در امالی طوسی هم این نقل به واسطه صدوق است که به کتاب او راه یافته است.

### ۳-۵. طبری و بشاره المصطفی

عمادالدین طبری (متوفای ۵۵۳ق) صاحب کتاب بشاره المصطفی در لابه‌لای نگاشته‌های خویش، که در اثبات فضائل اهل بیت است، نام و یادی از ابو احمد عسکری به همین هدف داشته است (طبری، بی تا، ج ۱، ص ۴۱). در دیگر مقام طبری حدیثی از ابو احمد عسکری نقل می‌کند که پادشاه محبت به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام هم‌نشینی و معیت با رسول اکرم خواهد بود (همو، ج ۱، ص ۶۲). شیخ صدوق با سه واسطه از طبری نقل نموده و او نیز از ابو احمد عسکری احادیثی روایت کرده است.

### ۴-۵. سید بن طاووس

<sup>۱</sup> : رَبِّ اشْعَثْ أَغْبَرَ ذِي طَمْرِينٍ يُدْفَعُ بِالْأَبْوَابِ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ (تَعَالَى) لِأَبْرَهُ

از دیگر عالمانی که روایات ابو احمد عسکری را نقل کرده‌اند می‌توان به سید بن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ ه.ق) اشاره کرد. روایت او به واسطه شیخ صدوق نقل شده است (سیدبن طاووس، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۱۴ و ص ۵۱۶ و نیز همو، ج ۲، ص ۴۱۷). ناگفته نماند سیدبن طاووس از دانشمندانی است که خطبه شقشقیه امیرالمؤمنین علیه‌السلام را از طریق شیخ صدوق و با سند حسن بن عبدالله العسکری نقل نموده است. سید بن طاووس در این نقل ابو احمد عسکری را از روسای مخالفان مذهب حقه اهل‌البیت توصیف می‌کند (ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۴۱۷). همچنین در کتاب کشف المحججه لثمره المهجه سید بن طاووس، وصیت امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی با سند سعید بن عبدالله آمده است. در این یادکرد نیز سید از ابو احمد عسکری به مثابه مخالفان مذهب نام برده (ج ۱، ص ۱۵۷).

اما در طرائف سید به خطبه شقشقیه توجه نموده. می‌دانیم که خطبه شقشقیه در نهج‌البلاغه با اسناد متفاوتی از فریقین نقل شده است. سید ابن طاووس اما از این نقل‌ها نقل صدوق در معانی الاخبار را که از ابو احمد عسکری است نقل نموده و به دلایل سه‌گانه‌ای بر نقل سید رضی در نهج‌البلاغه برتری داده است. از ادله وی در این مسیر به گزارش گلبرگ آن است که: «روایت معانی (الخبار) را یک مؤلف ضد شیعی تفسیر کرده و بطور ضمنی صحت آن را تأیید نموده است.» (اتان گلبرگ، ۱۳۷۱ش، ص ۳۷۸).

اتان گلبرگ نویسنده کتاب ارزشمند کتابخانه ابن طاووس در رد دلیل سید ابن طاووس می‌نویسد: «فرض ضد شیعی بودن عسکری با اینکه او چندین بار به‌عنوان راوی ابن بابویه ظاهر می‌شود سازگار نیست.» (همان).

اما اشاره به این نکته ضروری است که هم انتساب ضد شیعه بودن ابو احمد عسکری به سید ابن طاووس توسط گلبرگ صحیح نیست و هم استدلال اتان گلبرگ در رد این استناد (به فرض صحت استناد).

الف) آیا سید ابن طاووس مدعی ضدیت ابو احمد عسکری با تشیع است؟ با نگاهی به دو کتاب طرائف و کشف‌المهجه این عبارات را در توصیف ابو احمد عسکری از سید ابن

طاووس خواهیم دید: از مخالفین شیعه (ابن طاووس، ۱۳۹۰ش، ص ۲۱۸)؛ من علماء السنه (ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۰۵)؛ من روسا مخالفی اهل البیت (همان، ج ۲، ص ۴۱۷)؛ من اعیان رجال الاربعه (همان، ج ۲، ص ۴۱۹).

می بینید که هیچ کدام از عبارات سید بن طاووس متضمن نسبت ضد شیعی به ابواحمد عسکری نیست و کلمه «مخالف» هم نوعاً در متون شیعی انتساب شخص به مذاهب غیر امامی است، نه ضدیت با تشیع. اصولاً رویکرد ابن طاووس در این دو کتاب در استناد به غیر امامیه در انکار و رد آنان است. به خصوص در «الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف» استناد او به اقوال مخالفین برای پیدا کردن راه حق است.

اینکه ابواحمد عسکری ضد شیعی باشد تاکنون در هیچ منبع تاریخی مشاهده نشده است. علائق و اهتمام او به تفکر شیعی آنقدر زیاد بوده که حتی چند ترجمه شیعی، مدعی تشیع وی شده‌اند؛ هرچند این ادعا در جای خود پذیرفتنی نیست.

ب) ادعای کلبرگ که «فرض ضد شیعی بودن عسکری با اینکه او چندین بار به عنوان راوی ابن بابویه ظاهر می شود سازگار نیست» (همان) و بسیار محل تعجب است. صدوق نه تنها از مخالفان، بلکه از نواصب نیز سخنان فراوانی در کتب متعدد خود نقل نموده به گونه‌ای که کمتر محدث شیعه‌ای این تعدد نقل از اهل تسنن و مخالفان مذهبی خود دارد. اما این نقل‌ها دلیلی بر مذهب مشایخ صدوق نیست. بنابراین صرف نقل و تعدد آن لزومی منطقی با سازگاری مذهبی راوی و مروی عنه ندارد.

از این روی یا اتان کلبرگ در استناد عبارت «ضد شیعی» به سید ابن طاووس دچار اشتباه شده و یا مترجمین در ترجمه عبارت کلبرگ دسترسی به متن انگلیسی کتاب خواهد توانست در این مسیر کارگشا باشد. نهایت چیزی که سید ابن طاووس در خصوص ابواحمد

عسکری در ضمن نقل خطبه شمشقیه ادعا کرده «غیر شیعه» بودن وی است نه «ضد شیعه» بودن و بین این دو تفاوت بسیاری است.<sup>۱</sup>

توجه به ابو احمد عسکری در آثار صدوق و سید ابن طاووس با توجه به گرایش مذهبی غیر امامی ابو احمد و نوعاً در باب ذکر برتری فرهنگ امامی از زبان مخالفین مذهبی است. در این مسیر زبان حق گرا و اندیشه تعصب گریز ابو احمد به یاری عالمان شیعی آمده است.

### ۵-۵. در دیگر منابع شیعی

معمولاً نوع روایات منقول از ابو احمد عسکری همراه با آن دست از روایاتی است که به فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام اشاره دارند. ارزیابی روایاتی که از عسکری نقل شده نشان می‌دهد وی گرچه از پیروان مذهب اهل سنت بوده، ولی نگاهی اعتدالی به موضوعات دینی داشته است. بر این مدعا شواهد گوناگونی قابل ارائه است. روایات او آنقدر با نام و یاد اهل بیت عجین است که از دیدگاه برخی دانشمندان امامیه، او شیعه مذهب است؛ گرچه در همین نوشتار به تفصیل این انگاره مورد نقاش قرار گرفت.

نمودار (۲) نشان دهنده استنادات مکرر عالمان شیعی به او در نقل فضائل اهل بیت است، که نوع این منقولات به واسطه شیخ صدوق در منابع روایی امامیه راه پیدا نموده و همواره علاوه بر استقبال از آن احادیث توسط فضائل نویسان، مورد توجه تفاسیر روایی همچون نورالثقلین، کنز الدقائق، البرهان و همچنین تاریخ نگاران و فقیهان در کتبی همچون وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل و نیز مجامع روایی بزرگ چون بحار الانوار قرار گرفته است.

<sup>۱</sup> از این روی یا اتان کلبرگ در استناد عبارت «ضد شیعی» به سید ابن طاووس دچار اشتباه شده و یا مترجمین در ترجمه عبارت کلبرگ، دسترسی به متن انگلیسی کتاب خواهد توانست در این مسیر کارگشا باشد.

در اینجا لازم است پیرامون کاربرد روایات و مرویات ابو احمد عسکری در آثار شیخ صدوق به خصوص در کتب فقهی ایشان، نظری بیفکنیم. مانند بسیاری از منقولات و مرویات دیگر صدوق از اهل سنت، اینجا نیز بسیاری از این روایات صدوق از عسکری رنگ و بوی شیعی به خود گرفته و پسینان و متأخران به دیده اخبار شیعی بدان نگریسته‌اند (بنگرید به ستار، ۱۳۹۳؛ بررسی و تحلیل... و نیز همو؛ بررسی نقش روایات مشترک). از این رو روایات صدوق از عسکری در کتب فقهی شیعه به عنوان مستند احکام جای گرفته‌اند. به عنوان مثال صاحب وسائل الشیعه:

۱. در باقیمانده کتاب حج و در بیان احکام دهگانه سفر و حضر؛ باب حرمت توهین و خواری مومن را به روایت صدوق از عسکری در کتاب امالی اختصاص داده. این روایت توسط شیخ طوسی و به واسطه صدوق در امالی طوسی هم روایت شده (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۶۸).

۲. در ابواب نماز جمعه و بیان مستحبات پس از صلاتین به بیان روایتی از عسکری در امالی صدوق پرداخته؛ هر چند همانند آن را از پدر خود نیز روایت نموده و صاحب وسائل الشیعه از آن خبر داده است (همان، ج ۷، ص ۳۹۸).

۳. در کتاب جهاد، باب وجوب دوری از گناهان به روایت مشترک عسکری و محمد بن ابراهیم طالقانی استناد شده است (همان، ج ۱۵، ص ۳۰۷).

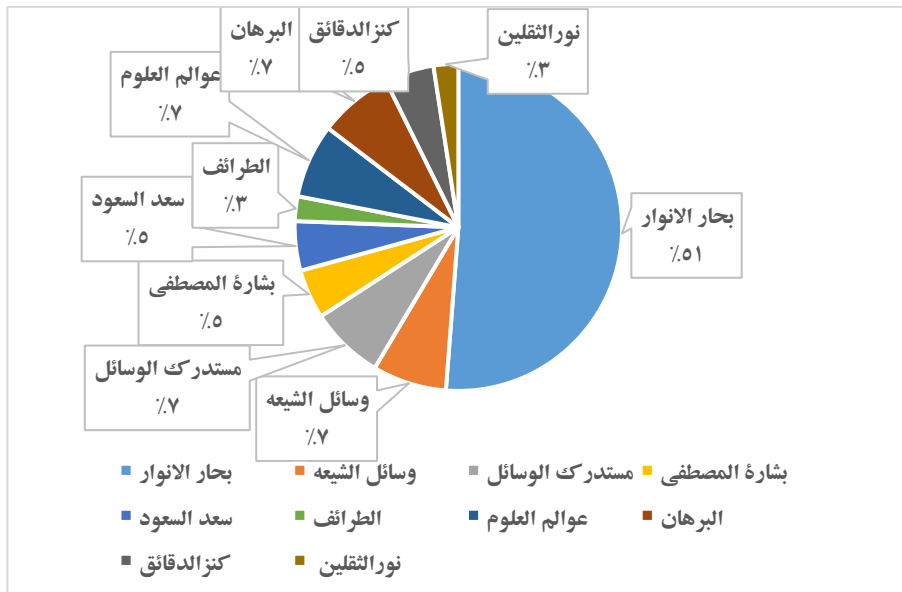
صاحب مستدرک الوسائل نیز در موارد دیگری از این استنادات بهره برده است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۶۵؛ همان، ج ۱، ص ۴۰۲؛ همان، ج ۸، ص ۲۳۷).

می‌بینیم که این راهیابی احادیث در منابع شیعی به واسطه اهتمام صدوق در نقل اخبار عسکری بوده است؛ گزاره‌ای که در تفاسیر روایی نیز تکرار شده است:

مشهدی در تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب در سوره اخلاص به روایت صدوق از عسکری در نافع بودن حُب اهل بیت در هفت موضع استناد نموده (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۴، ص ۵۲۰؛ نیز همان، ج ۱۲، ص ۵۸۶). دیگر تفسیر روایی شیعه یعنی نورالثقلین ذیل

همین آیات چنین نموده و حدیث را به نقل از توحید صدوق ذکر نموده (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۹۸).<sup>۱</sup> بحرانی در البرهان فی تفسیر القرآن در تبیین «تبیان بودن قرآن برای همه امور» (فیه تبیان کل شیئی) به سند صدوق از عسکری؛ حدیثی از پیامبر را نقل نموده (بحرانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵).

نمودار فراوانی کاربرد نام ابو احمد عسکری در آثار پسینیان



## نتیجه گیری

ابو احمد عسکری از بزرگترین محدثان و ادیبان قرن چهارم در عسکر مکرّم به واسطه تنوع دانش، آزاد اندیشی و حُب اهل بیت در همان دوره خود مورد توجه شیخ صدوق، محدث بزرگ شیعه در قرن چهارم، قرار گرفت. صدوق هم در مشافهه حضوری و هم در استفاده از کتب او چون الزواجرا حدیثی گرانقدر از این عالم سنی را به حوزه شیعی و امامیه منتقل نمود و بیشتر به واسطه صدوق و بعدها تا حدی از طریق طبری و سید ابن طاووس این

<sup>۱</sup> «فی کتاب التّوجید حدّثنا أحمد بن الحسن بن عبد الله بن سعید العسکری» در این گزارش نور الثقلین اشتباه نموده؛ ابو احمد حسن بن عبدالله صحیح است.



اندوخته به مجامع روایی شیعه راه پیدا نمود. احادیث منقول از عسکری در مباحث تفسیری، فضائل نویسی، ردیه نویسی و فقهی شیعیان مورد استناد قرار گرفته و سهم عظیمی در انتقال این میراث بر عهده شیخ صدوق بوده است. مذهب غیر شیعی عسکری از یک سو و علاقه و ارادت او به ائمه اطهار از سوی دیگر؛ موجب توجه به روایات وی شده؛ هرچند در سده‌های بعد این احادیث علاوه بر کتب فضایل در کتب تفسیری شیعه نیز راه یافته و حتی مستند آرای فقهی عالمان شیعی هم قرار گرفته است. می‌توان ادعا نمود میراث حدیثی ابواحمد عسکری در منابع شیعی صرفاً و نوعاً توسط صدوق به این کتب منتقل و در بسیاری از موارد فارغ و یا حتی غافل از مذهب نویسنده مورد استناد قرار گرفته است.

## منابع

### قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، **اسد الغابه**، ج ۴، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، (۱۴۰۹ق).
۲. ابن الأثیر، علی بن محمد، **اللباب فی تهذیب الانساب**، ج ۲، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، (بی تا).
۳. ابن العماد الحنبلی، عبدالحی بن احمد، **شذرات الذهب فی أخبار من ذهب**، ج ۴، محقق محمود ارنאוوط، بیروت: دار ابن کثیر، چاپ اول، (۱۴۰۶ق).
۴. ابن تغری بردی، یوسف بن تغری بردی، **النجوم الزاهره فی ملوک مصر والقاهره**، ج ۴، قاهره: وزاره الثقافه و الإرشاد القومي، موسسه المصریه العامه، (۱۳۹۲ق).
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، **المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک**، ج ۱۴، محقق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، (۱۴۱۲ق).
۶. ابن جوزی؛ عبدالرحمن بن علی، **المنتظم**، ج ۷، حیدرآباد دکن: ۱۳۵۸ق.

۷. ابن خلکان، احمد بن محمد، **وفیات الأعیان**، ج ۲، محقق احسان عباس، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، (بی تا).
۸. ابن طاووس، علی بن موسی، سعد السعود، ج ۱، قم: **دار الذخائر، چاپ اول، (بی تا)**.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی، **کشف المحجبه لثمره المهجه**، مترجم علی نظری منفرد، قم: جلوه کمال، چاپ پنجم، (۱۳۹۰).
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی، لطائف، ج ۱، قم: **مطبعه الخيام**، چاپ اول، (۱۴۰۰ق).
۱۱. ابن عساکر، علی بن حسن، **تاریخ دمشق**، ج ۱۲، محقق علی شیری، بیروت: دارالفکر، (۱۴۱۵ق).
۱۲. أبو الفداء، اسماعیل بن علی، **المختصر فی اخبار البشر**، ج ۲، مصحح محمود دیوب، بیروت: دارالکتب العلمیه، (۱۴۱۷ق).
۱۳. ابوالحسنی؛ رحیم، عالمان شیعه، ج ۲، قم: **انتشارات شیعه شناسی**؛ چاپ اول، ۱۳۸۶
۱۴. آذرنوش؛ آذرتاش؛ مدخل ابن درید؛ **دائرة المعارف بزرگ اسلامی** (دسترسی در سایت اینترنتی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛ ۱۳ فروردین ۱۴۰۰)
۱۵. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، طبقات الشیعه، ج ۵، (بی تا).
۱۶. افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، **ریاض العلماء و حیاض الفضلاء**، ج ۱، محقق احمد حسینی اشکوری، بیروت: موسسه التاریخ العربی، چاپ اول، (۱۴۳۱ق).
۱۷. آل ناجی، طارق بن محمد، **التذیل علی کتب الجرح و التعدیل**، مکتبه المثنی الإسلامیه، (۱۴۲۵).
۱۸. بحرانی؛ هاشم بن سلیمان، **البرهان فی تفسیر القرآن**؛ قم: موسسه العتبه، بی تا.
۱۹. بلقینی؛ سراج الدین؛ **مقدمه ابن صلاح و محاسن الاصطلاح**؛ تحقیق فاطمه بنت شاطی؛ قاهره: دار المعارف؛ چاپ اول، (۱۴۱۱ق)

۲۰. بهمنیار، احمد، **شرح حال صاحب بن عباد**؛ به کوشش محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت)، ۱۳۸۳.
۲۱. جمیل زاده، ذلفا و زهرا نوروزی و علی غفرانی «**جغرافیا، تاریخ و مشاهیر عسکر مکرّم**»؛ دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۵.
۲۲. حجتی، محمدباقر، **کشاف الفهارس**، ج ۱، قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، (۱۳۸۷).
۲۳. الحموی، شهاب الدین أبو عبد الله؛ **معجم الادباء ارشاد الاریب الی معرفه الادیب**، المحقق: إحسان عباس، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۱۴ هـ.
۲۴. الحموی، یاقوت بن عبدالله؛ **معجم البلدان**، ج ۴، بیروت: دار صادر، چاپ دوم، (۱۹۹۵م).
۲۵. الحویزی، عبد علی بن جمعه؛ **تفسیر نور الثقلین**؛ تصحیح هاشم رسولی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵.
۲۶. خطیب البغدادی، احمد بن علی؛ **تاریخ بغداد**، ج ۱، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، (۱۴۱۷ق).
۲۷. ذهبی، محمد بن احمد؛ **سیرالاعلام النبلا**، ج ۱۶، محقق شعیب ارناووط، بیروت: مؤسسه الرساله، (۱۴۱۴ق).
۲۸. رحمتی، محمد کاظم؛ **بازمانده‌هایی از کتاب المواعظ و الزواجر**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، آینه پژوهش بهمن و اسفند ۱۳۸۲، شماره ۸۴.
۲۹. ستار، حسین و سید رضا مودب (۱۳۹۳)؛ بررسی نقش روایات مشترک در اخبار منتقله (مطالعه‌ی موردی؛ جعابی از مشایخ صدوق)؛ **حدیث پژوهی**؛ بهار و تابستان ۱۳۹۳؛ شماره ۱۱.

۳۰. ستار، حسین؛ **بررسی و تحلیل دلایل و پیامدهای روایات منتقله در آثار شیخ صدوق**، رساله دکتری، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۳ش.
۳۱. سمانی، عبدالکریم بن محمد؛ **الانساب**، مصحح عبدالرحمن بن یحیی معلمی، هند: مطبعه مجلس، چاپ اول، (۱۳۸۲ق)
۳۲. السیوطی، جلال‌الدین؛ **بغیه الوعاه**، ج ۱، المحقق محمد أبو الفضل إبراهيم، لبنان: المكتبة العصریه، (بی تا).
۳۳. الشافعی، أبو العباس شهاب‌الدین؛ **اتحاف الخیره المهره بزوائد المسانید العشره**، ج ۷، محقق دارالمشکاه للبحث العلمی یاشراف أبو تمیم یاسر بن إبراهيم، ریاض: دارالوطن للنشر، (۱۴۲۰).
۳۴. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **اعتقادات الامامیه**، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ دوم، (۱۴۱۴ق).
۳۵. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **التوحید**، ج ۱، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، (۱۳۹۸ق).
۳۶. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **الخصال**، ج ۲، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، (۱۳۶۲ش).
۳۷. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **الخصال**، ج ۲، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: کتابچی، چاپ اول، (۱۳۷۷ش).
۳۸. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **امالی**، ج ۱، تهران: نشر کتابچی، چاپ ششم، (۱۳۷۶ش).
۳۹. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **امالی**، ج ۱، بیروت: اعلمی، چاپ پنجم، (۱۴۰۰ق).

۴۰. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**. ج ۱، قم: دار الرضی، چاپ اول، (۱۴۰۶ق).
۴۱. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **خصال**. ج ۲، ترجمه مرتضی مدرس گیلانی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، چاپ اول، (۱۳۶۲ش).
۴۲. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **خصال**. ج ۲، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، (تهران: اسلامیة، چاپ اول، بی تا).
۴۳. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **صفات الشیعة**. ج ۱، تهران: اعلمی، چاپ اول، (۱۳۶۲ش).
۴۴. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **علل الشرائع**. ج ۲، قم: نشر داوری، چاپ اول، (قم: کتاب فروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ش).
۴۵. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **عیون اخبار الرضا علیه السلام**. ج ۲، تهران: نشر جهان، چاپ اول، (۱۳۷۸ق).
۴۶. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **عیون اخبار الرضا علیه السلام**. ج ۲، ترجمه علی اکبر غفاری؛ حمید رضا مستفید، تهران: نشر صدوق، چاپ اول، (۱۳۷۲ش).
۴۷. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **فضائل الاشهر الثلاثة**، چاپ اول، (نجف: مکتبه الاداب، ۱۳۷۹ق).
۴۸. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **فضائل الشیعة**. ج ۱، تهران: اعلمی، چاپ اول، (بی تا).
۴۹. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **کمال الدین و تمام النعمة**. ج ۲، تهران: اسلامیة، چاپ دوم، (۱۳۹۵ق).
۵۰. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **معانی الاخبار**. ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، (۱۴۰۳ق).

۵۱. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **معانی الاخبار**. ترجمه حمید رضا شیخی؛ مقدمه صمد عبداللهی عابد، انتشارات ارمغان طویی، ج ۱، چاپ اول، (۱۳۸۹).
۵۲. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **من لا یحضره الفقیه**. ج ۱، ترجمه علی اکبر غفاری و...، اول (تهران: نشر صدوق، ۱۴۰۹ ق).
۵۳. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه؛ **من لا یحضره الفقیه**. ج ۶، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، (۱۴۱۳ ق).
۵۴. الصفدی، خلیل بن ابیک، **الوافی بالوفیات**، ج ۲۰، محقق هلموت ریتر، بیروت: دارالنشر فرانز شتاینر، چاپ دوم، (۱۴۰۱ ق).
۵۵. طبری، عماد الدین، محمد بن علی؛ **بشاره المصطفی صلی الله و علیه و آله لشیعه المرتضی علیه السلام**، قم: جامعه المدرسین فی الحوزه العمیه بقم موسسه النشر الاسلامی.
۵۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، **الامالی**. قم: دار الثقافه، چاپ اول، (۱۴۱۴ ق).
۵۷. عبداللهی عابد، صمد (۱۳۸۶)؛ **معانی الاخبار و سبک مؤلف در نگارش آن؛ شیخ صدوق، شیعه شناسی**، زمستان ۱۳۸۶؛ شماره ۲۰
۵۸. العسقلانی، احمد بن علی؛ **الاصابه فی تمییز الصحابه**، ج ۶، محقق علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، (۱۴۱۵ ق).
۵۹. العسکری، أبوأحمد، **المصون فی الادب**، ج ۱، (بی تا).
۶۰. عطایی مرتضی، نیستانی جواد؛ موسوی کوهپر سید مهدی؛ موسوی حاجی سید رسول؛ **بازشناسی شهر تاریخی عسکر مکرّم براساس متون تاریخی و جغرافیایی. جامعه شناسی تاریخی**. ۱۳۹۳؛ ۶ (۳): ۱-۳۰.
۶۱. عطایی، مرتضی (۱۳۹۲)؛ **کوفه، شیراز، عسکر مکرّم؛ اولین همایش باستان شناسی**.

۶۲. عطایی، مرتضی (۱۳۹۸)؛ «رفع یک شبهه پیرامون مکان یابی شهر تاریخی **عسکر مکرّم**» اولین کنفرانس ملی دوسالانه باستان شناسی و تاریخ هنر ایران.
۶۳. عموری، جعفر و هاشمی امجد، صادق (۱۳۹۶)؛ **علماء عسکر مکرّم و جهودهم فی إزدهار اللغة العربیة**، اولین همایش بین المللی نقش عربی نویسان و عربی سرایان ایرانی در رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی.
۶۴. غلامعلی، مهدی، **سند شناسی احادیث**، دارالحدیث، (۱۳۸۹).
۶۵. القفطی، علی بن یوسف؛ **انباه الرواه علی انباه النجاه**، ج ۱، محقق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: المكتبة العصریه، چاپ اول، (۱۴۲۴ق).
۶۶. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا؛ **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۶۷. کلبرگ، اتان؛ **کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او**، ج ۱، ترجمه سید علی قرائی؛ رسول جعفریان، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، (۱۳۷۱ش).
۶۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **کافی**، ج ۲، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، چاپ اول، (۱۴۳۰ق).
۶۹. مامقانی، عبدالله؛ **تنقیح المقال**، ج ۲۲، مصحح محمد رضا المامقانی، قم: موسسه آل بیت لاحیاء التراث، چاپ اول، (۱۴۲۳).
۷۰. مامقانی، عبدالله؛ **مقباس الهدایه**، محقق محمد رضا مامقانی، قم: موسسه آل بیت لاحیاء التراث، چاپ اول، (بی تا).
۷۱. مجلسی، محمد باقر؛ **بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار**، ج ۱۱۱، محمد باقر محمودی؛ عبد الزهرا علوی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، (۱۴۰۳ق).

۷۲. محمد بن حسن شیخ حر عاملی؛ **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، چاپ اول، (قم: مسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق).
۷۳. مدرس تبریزی، محمدعلی؛ **ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب**، ج ۴، تهران: خیام، چاپ سوم، (۱۳۶۹).
۷۴. المزی، یوسف بن عبدالرحمن، **تهذیب الکمال فی أسماء الرجال**، ج ۶، محقق بشار عواد معروف، بیروت: موسسه الرساله، (۱۴۱۳ق).
۷۵. مشهدی قمی، محمد بن محمدرضا؛ **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، ج ۱۴، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، (۱۳۶۸ش).
۷۶. مغلطای، بن قلیج بن عبدالله و ابو عبدالرحمن، عادل بن محمد (۱۴۲۲ق)؛ **اکمال تهذیب الکمال**، ج ۲، محقق، بی جا، چاپ اول.
۷۷. نمازی شاهرودی، علی؛ **مستدرک سفینه البحار**، ج ۱۰، تحقیق و تصحیح حسین نمازی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، چاپ دوم، (۱۳۸۵ش).
۷۸. نوری، حسین بن محمد تقی؛ **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، ج ۳۰، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، (۱۴۰۸ق).
۷۹. الیافعی، عبدالله بن اسعد؛ **مراه الجنان و عبره اليقظان**، ج ۲، محقق خلیل منصور، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۱۷ق).

### **Bibliography:**

*The Holy Qur'an.*

1. Ibn Athīr, Ali Ibn Muhammad (1409 AH), 'Usd Ghābah, vol. 4, Beirut: Dar al-Fikr, first edition.
2. Ibn Athīr, Ali ibn Muhammad (nd), Al-Lubāb fī Tahdhīb al-Ansāb, vol. 2, Beirut: Dar Sādīr, 3rd ed.



3. Ibn al-'Amād al-Hanbalī, 'Abd al-Hay bin Ahmad (1406 AH), Shadharat al-Dhahah fī Akhbār man Dhahah, vol. 4, Research: Mahmoud 'Irnāwūt, Beirut: Dar Ibn Kathīr, first edition.
4. Ibn Tagharī Bardī, Yusuf bin Tagharī Bardī (1392 AH), Al-Nujūm al-Zāhirah fī Mulūk Misr wal-Qāhira, Vol. 4, Cairo: Ministry of Culture and Guidance, Al-Misrīya Institute.
5. Ibn al-Jawzi, Abd al-Rahman bin Ali (1358 AH), Al-Muntazam fi Ta'rīkh al-Umam wa al-Mulūk, vol. 7, Hyderabad.
6. Ibn al-Jawzi, Abd al-Rahman bin Ali (1412 AH), Al-Muntazam fi Ta'rīkh al-Umam wa al-Mulūk, vol. 14, Research: Muhammad Abd al-Qadīr 'Atā, Beirut: Dar al-Kutub al- 'Ilmīya, first edition.
7. Ibn Khalakān, Ahmad Ibn Muhammad (nd), Wafayāt al-'A'yān, vol. 2, Research: Ehsan Abbas, Beirut: Dar al-Fikr, first edition.
8. Ibn Tāwūs, Ali Ibn Musa (nd), Sa'd al-Su'ūd, vol. 1, Qom: Dar al-Zakha'ir, first edition.
9. Ibn Tāwūs, Ali Ibn Musa (2010), Kashf al-Mahajja li Thamarat al-Mahajja (translated by Ali Nazari Monfared), Qom: Jelveh Kamal, fifth edition.
10. Ibn Tāwūs, Ali Ibn Musa (1400 AH), Al-Tarā'if, vol. 1, Qom: Al-Khayyam Press, first edition.
11. Ibn Asāker, Ali Ibn Hasan (1415 AH), History of Damascus, vol. 12, Research: Ali Shiri, Beirut: Dar al-Fikr.
12. Abu al-Fidā', Ismail bin Ali, Al-Mukhtasar fī Akhbār al-Bashar, vol. 2, Research: Mahmoud Diyoub, Beirut: Dar al-Kutub al- 'Ilmīya.
13. Abulhassani, Rahim (2016), Shiite Scholars, Vol. 2, Qom: Shi'a Publications, 1st edition.
14. Azarnoosh; Azartash (2021) "Ibn Durayd's Entry", Great Islamic Encyclopedia (accessed on the website of the Great Islamic Encyclopedia Center; April 13, 2021).
15. Ash'arī Qumī, Sa'd bin Abdullah (nd), Tabaqāt al-Shī'a, Vol. 5.
16. Afandī, Abdullah bin Isa Beyg (1431 AH), Rīyād al-'Ulamā wa Hūyād al-Fudalā', Vol. 1, Research: Ahmad Hosseini Eshkevari, Beirut: Al-Ta'rīkh Al-Arabi Institute, first edition.
17. Āl-Nājī, Tariq bin Muhammad (1425 AH), Al-Tadhyīl 'alā Kutub al-Jarh wal-Ta'dīl, Maktaba al-Muthanā al-Islamīya.

18. Bahrānī, Hashim bin Suleiman (nd), *Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an*, Qom: Al-Atabah Institute.
19. Balqīnī, Seraj al-Din, *Introduction of the book of Ibn Salah and Mahāsen al-Istilāh*, Research: Fatima bint al-Shati, Cairo: Dar al-Maārif, first edition.
20. Bahmanyar, Ahmed (2013), *Sā'ib bin 'Abād*, By the efforts of Mohammad Ebrahim Bastani Parisi, Tehran: University of Tehran, Publishing and Printing Institute; Organization for the study and compilation of academic humanities books (SAMT).
21. Jamilzadeh, Zulfa and Zahra Nowrozi and Ali Ghofrani "Geography, history and famous people of Askarmakram"; Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Theology and Islamic Studies, 2015.
22. Hojjati, Mohammad Baqer (2007), *Kashāf al-Fahāris*, Vol. 1, Qom: Center for Islamic Information and Documents.
23. Al-Himawī, Shahab al-Din Abu Abdullah (1414 AH), *Mu'jam al-udabā*, Research: Ihsan Abbas, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami.
24. Al-Himawī, Yaqut bin Abdullah (1995), *Al-Mu'jam al-Buldān*, vol. 4, Beirut: Dar Sadir, second edition.
25. Huwayzī, Abd Ali bin Jum'a (1415 AH), *Tafsīr Noor al-Thaqalain*, Editor: Hashim Rasouli, Qom: Ismailian.
26. Khatib al-Baghdadi, Ahmed bin Ali (1417 AH), *History of Baghdad*, Vol. 1, Research: Mustafa Abdul Qadir Attā', Beirut: Dar al-Kutb al-'Ilmīya, first edition.
27. Dhahabī, Muhammad bin Ahmad (1414 AH), *Sīyar 'A'lām al-Nubalā*, Volume 16, Research: Shoaib Arnawut, Beirut: Al-Rasalah Institute.
28. Rahmati, Mohammad Kazem (2003), "Remnants of the Book of Al-Mawā'iz walZawājir", Qom: Islamic Propagating Office, *Ayen-e Pazhouhesh*, No. 84.
29. Sattar, Hossein; Moaddab, Seyed Reza (2013), "Study of the role of common narrators in transmitted news (case study; Ju'ābī, a Sheikh Sadūq's scholar)", *Hadith Research*, spring and summer, 11.
30. Sattar, Hossein (2013), *Investigation and Analysis of the Reasons and Consequences of Narratives Transmitted in the Works of Sheikh Sadouq* (Doctoral Dissertation, University of Qom, Faculty of Theology and Islamic Studies).

31. Sam'ānī, Abdul Karim bin Muhammad (1382 AH), Al-Ansāb, Editor: Abdul Rahman bin Yahya Mu'allimī, India: Majlis Press, first edition.
32. Al-Suyūṭī, Jalal-al-Din (nd), Bughyat al-Wi'ā, Vol. 1, Research: Mohammad Abul-Fazl Ibrahim, Lebanon: Al-Maktabeh Al-Asriya.
33. Al-Shāfi'ī, Abu al-Abbas Shahab al-Din (1420 AH), Ithāf al-Khairah Al-Muhra, Vol. 7, Research: Dar al-Mishkah, Riyadh: Dar al-Watan Publishing House.
34. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1414 AH). 'Itiqādāt al-Imāmīya, Vol. 1, Qom: Sheikh Mufīd Congress, second edition.
35. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1398 AH), Al-Tawhid, Qom: Qom Seminar Teachers Association.
36. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1983). Al-Khisāl Vol. 2, Ali Akbar Ghafari's research and correction, Qom: Qom Seminary Teachers Community, first edition.
37. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1998). Al-Khisāl, Vol. 2, translated by Mohammad Bagherkammerai, Tehran: Kitabchi, first edition.
38. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1997). Al-Amālī, Vol. 1, Tehran: Ketabchi, 6th edition.
39. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1400 AH). Al-Amālī, Vol. 1, Beirut: 'A'lamī, 5th edition.
40. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1406 AH), Thawāb al-'A'māl wa 'Iqāb al-'A'māl, Qom: Dar Al-Sharif Al-Radi for Publishing.
41. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1984). Al-Khisāl, Vol. 2, translated by Morteza Modares Gilani, Tehran: Javidan Printing and Publishing Organization, first edition.
42. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (nd). Al-Khisāl, Vol. 2, translated by Seyed Ahmad Fahri Zanjani, Tehran: Islamiya, first edition.
43. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1994), Sifāt al-Shi'a, Vol. 1, Tehran: Al-'A'lamī, first edition.
44. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (2006). 'Ilal al-Sharā'ī, Vol. 2, Qom: Davari Publishing House, first edition.

45. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1378 AH). 'Uyūn Akhbār al-Ridā (AS), Vol. 2, Tehran: Jahan, first edition.
46. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1378 AH). 'Uyūn Akhbār al-Ridā (AS), Vol. 2, Translated by Aliakbar Ghafari; Hamidreza Mostafid, Tehran: Sadooq.
47. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (2000). Fadā'il al-Ashahur al-Thalātha, first edition, Najaf: Al-Adab Library.
48. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (nd). Fadā'il al-Shī'a, Vol. 1, Tehran: A'lamī, first edition.
49. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (2016), Kamāl al-Dīn wa Tamām al-Ni'ma, vol. 2, Tehran: Islamiya, second edition.
50. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1403 AH). Ma'ānī al-Akhabār, Vol. 1, Qom: Office of Islamic Publications.
51. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1403 AH). Ma'ānī al-Akhabār, Translation by Hamid Reza Sheikhi; Introduction by Samad Abdolahi Abid, Armaghan Toubi Publications, 1st edition.
52. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1409 AH). Man Lā yahduruh al-Faqīh, translated by Ali Akbar Ghaffari et al., Tehran: Sadouq Publishing House.
53. Sadūq, Abu Ja'far Mohammad ibn Ali ibn Babiwayh (1409 AH). Man Lā yahduruh al-Faqīh, edited by Ali Akbar Ghaffari et al., Qom: Islamic Publications Office.
54. Al-Safadi, Khalil bin Abiq (1401 AH), Al-Wāfi Bilwafiyāt, Vol. 20, Helmut Ritter, Beirut: Franz Steiner Publishing House, second edition.
55. Tabari, Muhammad bin Ali (nd), Bishārat al-Mustafā li Shi'at al-Murtadā, Qom: Jama'ah al-Mudrasin fi al-Hawza, Islamic Publishing Institute.
56. Tūsī, Muhammad bin Hassan (1414 AH), Al-'Amālī, Qom: Dar al-Thaqāfa.
57. Abdollahi, Samad (2016), "The meanings of al-Akhabar and the style of the author in writing it," Shia studies, winter 2016, 20.

58. Al-Asqalānī, Ahmad bin Ali (1415 AH), *Al-Isābah fī Tamyīz al-Sahāba*, vol. 6, Research: Ali Muhammad Mu'awad, Beirut: Dar al-Kutub al- 'Ilmiya, first edition.
59. Askari, Abu Ahmed (nd), *Al-Masūn fī al-Adab*, Vol. 1.
60. Atayi, Morteza (2019), Resolving a doubt about the location of the historical city of Askar Mukarram, The first biennial national conference of archeology and art history of Iran.
61. Ataei, Morteza (2012), "Kufa, Shiraz, Askar Mukram," the first archeology conference.
62. Ataei Morteza et al. (2014). "Recognizing the historical city of Askar Mukram based on historical and geographical texts," *Historical sociology*, 6 (3): 1-30.
63. Amourī, Jafar et al. (2016), "Scholars of Askar Mukram and their efforts in the development of the Arabic language," the first international conference on the role of Iranian Arabic writers and Arabic poets in promoting and prospering Islamic culture and civilization.
64. Gholamali, Mehdi (2010), *Knowledge of Sanad*, Qom: Dar al-Hadith.
65. Al-Qafti, Ali Ibn Yusuf (1424 AH), *Anbāh al-Ruwāt 'Alā Anbāh al-Nuhāt*, vol. 1, Research: Muhammad Abulfazl Ibrahim, Beirut: Al-Maktabah al-Asriya, first edition.
66. Qomi Mashhadi, Mohammad bin Mohammad Reza (1989), *Tafsir Kanz al-Daqa'q wa Bahr al-Ghara'b*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
67. Kolberg, Ethan (1992). *Ibn Tawūs's library and his works*, Vol. 1, translated by Seyed Ali Ali Qaraei and Rasoul Jafarian, Qom: Hazrat Ayatollah Mur'ashi Najafi Public Library, first edition.
68. Kulainī, Muhammad ibn Yaqoub (1430 AH), *Al-Kāfī*, Research: Muhammad Hussain Derayati, Dar al-Hadith Institute and SAMT.
69. Mamqānī, Abdullah (1423 AH), *Tanqīh al-Maqāl*, vol. 22, revised by Muhammad Reza al-Māmqānī, Qom: Āl-Bayt Institute, first edition.
70. Mamqānī, Abdullah (nd), *Miqbās al-Hidāya*, Research: Mohammadreza Mamqānī, Qom: Āl-Bayt Institute for Revival of Heritage, first edition.

71. Majlisī, Muhammad Baqir (1403 AH), Bihar Al-Anwar, Beirut: House of Revival of Arab Heritage.
72. Muhammad ibn Hasan Sheikh Hurr Āmilī (1409 AH), Wasā'il al-Shī'a, first edition, Qom: Āl-Bayt Institute,
73. Modarres Tabrizi, Mohammad Ali (1990), Rayhānat al-Adab, Vol. 4, Tehran: Khayyam, 3rd edition.
74. Al-Mizzī, Yusuf bin Abdurrahman (1413 AH), Tahdhīb al-Kamaal fī Asma' al-Rijāl, Vol. 6, Research: Bishar 'Awād, Beirut: Al-Risalah Institute.
75. Mashhadi Qomi, Mohammad bin Mohammad Reza (1989), Tafsir Kanz al-Daqa'q wa Bahr al-Ghara'b, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
76. Moghlatai, ibn Qilij ibn Abdullah and Adel ibn Muhammad Abu Abdur Rahman (1422 AH), Ikmāl Tahdhīb Al-Kamal, Vol. 2, Research: np, 1st edition.
77. Namazi Shahroudi, Ali (2006). Mustadrak Safinat al-Bihār, Vol. 10, Research and Correction: Hossein Namazi, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
78. Nouri, Hossein ibn Mohammad Taghi (1408 AH). Mustardak al-Wasā'il, Vol. 30, Qom: Āl-Bayt Foundation, first edition.
79. Al-Yafai'ī, Abdullah bin Asad (1417 AH), Mirāh al-Jinān wa 'Ibarih al-Yaqzān, Vol. 2, Khalil Mansour, Beirut: Dar al-Kutub Al-'Ilmīya, Muhammad Ali Baydūn's Publications.